

## عدم امکان فرار به عنوان شرط اباحه دفاع کشنده؛ با نگرشی تطبیقی به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

حسن قاسمی مقدم\*، زکیه سادات میرسیدی\*\*

### چکیده

ارتکاب جرم در مقام دفاع مشروع، در صورتی جایز است که آن جرم برای «دفع خطر یا تجاوز»، ضرورت داشته باشد و نه «دفع مهاجم». در صورتی که فرد مورد تهاجم، امکان فرار داشته باشد، به علت انتفای ضرورت دفع خطر، ممنوعیت ایراد جرح و قتل بدون اذن حاکم در نهی از منکر، و رعایت حرمت جان مهاجم، توسل به «دفاع کشنده» جایز نیست. منظور از «دفاع کشنده» رفتاری تدافعی است که به واسطه ایراد صدمات شدید بدنی، و یا استفاده از سلاح سرد و یا گرم، جان مهاجم را در معرض خطر قرار می دهد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به بررسی حکم دفاع کشنده در فرض امکان فرار پرداخته است. نتیجه تحقیق نشان می دهد که اگر به رغم امکان فرار، مدافع از «دفاع کشنده» در برابر مهاجم استفاده نماید و بدین وسیله، مرتکب جنایت عمدی شود. با توجه به مبانی فقهی تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی و تفسیر حقوقی آن، و رویه قضایی دیوان عالی کشور، وی مشمول حکم این تبصره، یعنی پرداخت دیه و تعزیر است. مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا درباره این موضوع، نیز نشان می دهد که رعایت «تکلیف عقب نشینی» مانع از جواز به کارگیری دفاع کشنده در آن نظام است.

واژگان کلیدی: امکان فرار، دفاع کشنده، ضرورت، قصاص، حق حیات

\* استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)  
ghasemi@yazd.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران  
mirseydi9899@gmail.com

## مقدمه

از نظر لغوی، دفاع مصدر باب مفاعله از ریشه دفع است. دفع به معنای منع و برطرف نمودن آزار و شر، با استفاده از قدرت است (زبیدی، ۱۱/۲۰۰۵: ۱۱۵). از نظر اصطلاحی، دفاع مشروع، حق هر انسان به حفظ جان، مال و ناموس خود و دیگری در شرایطی است که جامعه قادر به حمایت از این امور نباشد. مقنن، در چنین وضع استثنایی، فعل ضروری را صراحتاً اجازه داده و وصف مجرمانه را از آن زدوده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۸۶). طبق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی دفاع مشروع، منوط به رعایت شرایطی راجع به رفتار مهاجم، اعم از غیرقانونی بودن، فعلی یا قریب الوقوع بودن و ارتجالی بودن و شروطی ناظر به رفتار مدافع، اعم از ضروری بودن و رعایت مراحل دفاع است.

یکی از مسائل مربوط به دفاع مشروع که فقها و حقوق دانان درباره آن نظر داده‌اند اما در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار نگرفته است، امکان فرار فرد مورد تهاجم است.<sup>۱</sup> فرار به معنای گریختن و در لسان فقهی مترادف با «هرب» است (ابن منظور، ۱/۱۴۱۴: ۷۸۳). منظور از امکان فرار، وضعیتی است که در آن، فرد مورد تهاجم امکان نجات یافتن، فراری دادن ناموس و یا مال خود را از طریق ترک ایمن موضع خطر تهاجم داشته باشد.

بحث درباره حکم دفاع با وجود امکان فرار، معمولاً در پرونده‌های قتل و زمانی که فرد مورد تهاجم، به «دفاع کشنده» متوسل شده و مرتکب قتل مهاجم شده باشد چالش برانگیز می‌شود. منظور از «دفاع کشنده» یعنی برخورد فیزیکی در مقام دفاع به نحوی که می‌تواند منتهی به قتل مهاجم شود. «دفاع کشنده» معمولاً با به‌کارگیری سلاح گرم یا سرد، همراه است. البته ایراد صدمات شدید بدنی بدون به‌کارگیری سلاح در صورتی که جان مهاجم را به خطر اندازد نیز می‌تواند مشمول تعریف قرار گیرد. این نوع از دفاع در تعابیر فقهای امامیه با لفظ «القتال» مشخص شده است.

دفاع کشنده یا قتال، به رفتاری میان درگیری ساده و رفتار نوعاً کشنده دلالت می‌کند. زیرا از یک‌سو از درگیری ساده فیزیکی شدیدتر است و از سوی دیگر با مفهوم رفتار نوعاً کشنده «بما یقتل

۱. درباره امکان فرار مدافع در حقوق ایران علاوه بر نویسندگان کتب حقوق جزای عمومی و اختصاصی که به طور کلی نقطه نظرات خود را مطرح نموده‌اند، تاکنون دو مقاله تحت عنوان «بررسی تطبیقی امکان فرار در دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران، فرانسه و مصر» (چگنی، قیاسی و خزایی، ۱۳۹۶: ۶۳۱-۶۴۵) و دیگری تحت عنوان «تأثیر امکان فرار در مشروعیت دفاع» (رحیمی پور، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۳۱) نوشته شده است. در مقاله نخست پاسخ منسجمی به سؤال تحقیق داده نشده و در تحقیق دوم، مبانی دیگری پذیرفته شده و منتهی به حکم مشروعیت دفاع شده است. تحقیق حاضر، به موضوع «دفاع کشنده» پرداخته، به لحاظ مبانی فقهی و حقوقی و مطالعه تطبیقی، رویکرد متفاوتی نسبت به این دو مقاله دارد و نتیجه‌گیری جدیدی را به دست می‌دهد.

غالباً»، متفاوت است. معیار رفتار نوعاً کشنده، وصفی است برای توصیف رفتار معینی مثل ایراد جراحت با چاقو به گردن مهاجم. اعمال این معیار مستلزم دقت بر روی رفتار معین و محل اصابت بر اساس آثار نوعی حاصل از آن است. اما دفاع کشنده، توصیفی است برای نوعی برخورد فیزیکی که به جهت استفاده از سلاح و یا سایر شرایط موجود، امکان منتهی شدن به قتل را دارد. رابطه میان دفاع کشنده و دفاع با رفتار نوعاً کشنده، عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر دفاعی با توسل به رفتار نوعاً کشنده، دفاع کشنده محسوب می‌شود و نه بر عکس.

حال سؤال این است که اگر فرد مورد تهاجم، امکان فرار داشته باشد ولی متوسل به دفاع کشنده شود آیا رفتار وی مشمول دفاع مشروع است؟ در نظام حقوقی ایران تاکنون به بررسی این موضوع خاص (دفاع کشنده با وجود امکان فرار) پرداخته نشده است. اما به طور کلی درباره حکم دفاع با وجود امکان فرار در میان حقوق دانان، اختلاف نظر وجود دارد (شمس ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۳۴). در این تحقیق، ابتدا از رهگذر نقد نظریه «اباحه جرم مدافع، با وجود امکان فرار» به بررسی ادله عدم جواز دفاع کشنده پرداخته می‌شود و سپس حکم مجازات توسل به دفاع کشنده با وجود امکان فرار مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبیعتاً، از آنجا که حکم مسئله در قانون مشخص نشده است به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی، به فتاوی معتبر فقهای امامیه، مراجعه می‌شود. ادعای مورد نظر در این مقاله این است که در صورت امکان فرار، انجام دفاع کشنده از سوی مدافع، مباح نبوده و جرم است. البته مجازات مدافع، در این صورت باید با توجه به مفاد و شرایط تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی تعیین شود.

### ۱. نقد نظریه «اباحه جرم مدافع با وجود امکان فرار»

برخی از فقهای امامیه بر این اعتقادند که در صورت امکان فرار و امکان دفاع، هر دو عمل، واجب تخیری‌اند. زیرا فرار و دفاع هر دو وسیله‌ای برای حفظ نفس‌اند و در صورت عجز از دفاع، فرار واجب عینی است (شهید ثانی، ۱۳۷۹/۱۵: ۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۲/۱۳: ۶۲۵). در میان ایشان، برخی علاوه بر ادله وجوب حفظ نفس، به ادله امر به معروف و نهی از منکر برای وجوب دفاع استناد می‌کنند (فاضل هندی، ۱۳۷۹/۱۰: ۶۴۹). یکی از مراجع عظام کنونی نیز در پاسخ به استفتائی از نویسندگان، در این مسئله، حکم به قصاص و دیه و تعزیر علیه مدافع را محل اشکال دانسته است.<sup>۱</sup> در نظرات مذکور، دفاع به صورت علی‌الاطلاق، اعم از دفاع کشنده و غیر آن، مجاز دانسته شده است. به تبع ایشان، برخی از نویسندگان بر این باورند که «در تهاجم علیه نفس، ضرورت دفاع، مبتنی بر دو امر است. نخست، وجوب حفظ جان و دوم، نهی از منکر. هنگامی که فردی در معرض تهاجم، به آسانی امکان فرار دارد،

۱. استفتاء شماره ۹۹/۱/۶۵ مورخ ۹۹/۲/۱۵ از آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.

هر چند وی مستأصل در حفظ نفس خود نباشد، لکن ضرورت نهی از منکر همچنان باقی است» (رحیمی پور، ۱۳۹۸: ۱۱۷). بررسی و نقد این نظریه مستلزم تعمق در مبانی دفاع، تطبیق مباحث اصول فقهی، بازخوانی اقوال فقهای مخالف و واکاوی مطالعه تطبیقی است.

### ۱-۱. نقد مبانی دفاع مشروع در نظریه اباحه جرم

نظریه اباحه جرم مدافع، به لحاظ «مبانی دفاع مشروع»<sup>۱</sup>، مبتنی بر مبنای ضرورت حفظ نفس، عرض و مال، و مبنای تکلیف امر به معروف و نهی از منکر است.

#### ۱-۱-۱. ضرورت حفظ نفس، عرض و مال

ضرورت یعنی وضعیتی که موجب ایجاد حالت ناچاری و محدود نمودن آزادی انتخاب انسان گردد. از منظر فقهی، مکلف گاه در شرایطی قرار می‌گیرد که ناگزیر باید مرتکب حرام شود و الا حرامی بزرگ‌تر یا واجبی مهم‌تر از او فوت خواهد شد. در چنین شرایطی قاعده ضرورت تحت عنوان «الضرورات تبيح المحظورات» اجرا می‌شود (وطنی، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

منظور از قاعده ضرورت، معنای عامی است که شامل حالات اضطرار، اکراه و دفاع مشروع می‌شود. هر چند حکم ناشی از ضرورت در هر یک از این حالات، متفاوت است. درباره موضوع مورد بحث، منشأ ایجاد ضرورت، می‌تواند حمله یا خطر قریب الوقوع ناعادلانه یک عامل انسانی باشد که جان، مال یا ناموس انسان را تهدید می‌کند به گونه‌ای که دفع آن، مستلزم ایراد ضرر به عامل ایجاد خطر باشد. «بدین ترتیب قاعده ضرورت، مبنای مشروعیت عمل مدافع است» (سعیدی و خداپار، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

با توجه به این که منظور از امکان فرار، وضعیتی است که در آن، فرد مورد تهاجم امکان نجات یافتن، فراری دادن ناموس و یا مال خود را از طریق ترک «ایمن» موضع خطر تهاجم داشته باشد. در چنین وضعیتی، محملی برای اجرای قاعده ضرورت نخواهد بود. زیرا فرد مورد تهاجم، دارای انتخاب ایمن دیگری برای حفظ موضوع مورد تهاجم است. به علاوه، قاعده ضرورت، یک قاعده امتنانی است. یعنی در مقام امتنان و آسان‌گیری وارد شده است. بنابراین، در جایی جاری می‌شود که برداشتن حرمت یا وجوب، جنبه امتنانی داشته باشد. از این رو، اگر از اجرای قاعده، نتیجه‌ای خلاف امتنان، لازم آید، این قاعده قابل اجرا نخواهد بود (وطنی، ۱۳۸۱: ۱۹۸). قطعاً در مواردی که امکان فرار ایمن وجود داشته باشد، دفاع کشنده و ایراد ضرب و جرح یا قتل، برخلاف امتنان است.

۱. معمولاً مبانی دفاع مشروع، در سه دسته مبانی ناظر بر عمل دفاعی، مبانی ناظر به فعل مهاجم و مبانی ناظر بر دفاع و اجتماع تقسیم‌بندی می‌شوند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شمس ناتری و عبدالله یار، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۲۸).

## ۲-۱-۱. تکلیف نهی از منکر

نهی از منکر در کنار امر به معروف، یکی از تکالیف شرعی و از ضروریات دین اسلام است که در قرآن و سنت، تأکیدات فراوانی دربارهٔ اهتمام به آن وجود دارد. نهی از منکر مانند امر به معروف، دارای مراتبی اعم از انزجار قلبی، نهی لسانی و مداخلهٔ فیزیکی است. دربارهٔ نهی از منکر به عنوان مبنای اباحهٔ جرم در مقام دفاع، بحث مربوط به ارتکاب جرم از طریق ایراد جرح و یا قتل مهاجم است. در این خصوص میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد که در این مرتبه از نهی از منکر، آیا اذن امام (ع) یا نایب او لازم است یا خیر؟ «عده‌ای از فقها مانند سیدمرتضی، ابن ادریس، ابوالصلاح و شهید اول، چنین اذنی را لازم نمی‌دانند. اما شیخ طوسی، قاضی ابن براج، فاضل مقداد و صاحب جواهر، این اذن را لازم می‌دانند» (عراقی و خیام پور، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

«اگر نهی از منکر مستلزم ایراد جراحت یا قتل باشد، علی‌الاقوی جایز نیست مگر با اذن امام (ع) یا فقیه جامع‌الشرایط. و اگر منکر از قبیل امور مهمی مثل قتل نفس محترمه باشد، در صورتی که «راه دیگری برای دفع خطر» وجود نداشته باشد، بدون اذن امام (ع) هم جایز است» (خمینی، ۱/۱۳۹۰: ۴۸۱). از این منظر عدم نیاز به اذن امام (ع) مخصوص به «عدم وجود طریق دیگر برای دفع خطر» است و اگر امکان فرار وجود داشته باشد، احوط آن است که به وسیلهٔ فرار، خطر را برطرف نماید (خمینی، ۱/۱۳۹۰: ۴۸۸). همچنین استدلال به نهی از منکر در باب دفاع مشروع، قیاس مع الفارق دانسته شده است «زیرا قتل فرد در جریان نهی از منکر، بر خلاف دفاع مشروع مستلزم اذن از امام (ع) است» (گلپایگانی، بی‌تا: ۱۸۴). علت لزوم اخذ اذن از امام (ع) یا نایب او، در ایراد جراحت یا قتل را باید در قاعدهٔ «حفظ نظام» جست‌وجو نمود. مقصود از حفظ نظام، حفظ کلیت اجتماع است، نه خصوص نظام حکومتی. شارع مقدس اسلام به حفظ نظم و پیشگیری از هرج و مرج در جامعه اهتمام جدی دارد تا آنجا که هر چیزی که حفظ نظم اجتماعی بر آن متوقف باشد از باب مقدمهٔ واجب، واجب می‌داند (نوبهار، ۱۳۸۹: ۵۵). از این رو، در فقه امامیه با توجه به لزوم حفظ نظام و رفع فتنه در جامعه، اخذ چنین اذنی، لازم و ضروری است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۳۸).

علاوه بر این، از نظر حقوقی، اصل لزوم دادرسی کیفری مستلزم طی یک فرایند قضایی عادلانه جهت رسیدگی به موضوع ارتکاب جرم و پرهیز از تشخیص‌های شخصی افراد برای مداخلهٔ قهرآمیز علیه یکدیگر است (آخوندی، ۱۳۸۱: ۴۲). در یک نظام حقوقی، اصل بر مداخلهٔ قوای عمومی جهت برخورد قهرآمیز با مجرمان است. به همین علت، شورای نگهبان، مادهٔ ۶ قانون «حمایت از

آمران به معروف و ناهیان از منکر<sup>۱</sup> در خصوص ممنوعیت ارتکاب جرم کلامی یا فیزیکی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، از سوی افراد را مورد تأیید قرار داده است. بدین ترتیب، قطعاً در جامعه‌ای که دارای یک نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است، نمی‌توان تکلیف نهی از منکر را مبنایی برای جواز ایراد جراحت و یا قتل به عنوان دفاع کشنده در شرایطی دانست که فرد مورد تهاجم دارای امکان فرار بوده است.

## ۱-۲. اشکالات وارده بر نظریه اباحه، از منظر اصول استنباط

نظریه اباحه جرم مدافع، مبتنی بر هیچ روایت صریحی درباره امکان فرار نیست. فلذا به روایاتی کلی در باب دفاع مشروع استناد شده است (شهید ثانی، ۱۳/۱۴۱۳: ۵۰).<sup>۲</sup> اما صرف نظر از ضعف سندی برخی از این روایات، روایات مورد استناد، درباره مشروعیت مطلق دفاع است و دلالتی در خصوص حکم دفاع در صورت امکان فرار ندارند. در واقع، موضوع امکان فرار در این روایات، مورد سؤال و بیان حکم نبوده است. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که در چنین شرایطی آیا می‌توان دفاع را مشروع دانست؟ در پاسخ به این پرسش، با توجه به اصل استصحاب باید حرمت ایراد جراحت و قتل را استصحاب نمود. زیرا دفاع مشروع، استثنائی بر حرمت ارتکاب جنایت است و اطلاق ادله دفاع شامل حالت امکان فرار نمی‌شود و لاقلاً در چنین شمولی، شک وجود دارد و امکان تمسک به اطلاق مذکور وجود ندارد (سبزواری، ۲۸/۱۳۸۸: ۱۶۳). در واقع دفاع مشروع برای اباحه جرم، یک حق مطلق نبوده بلکه از ابتدا مشروط بر رعایت شرط ضرورت بوده است و زمانی که در احراز شرط، شکی رخ دهد، اصل بر عدم احراز شرط است.

افزون بر این، با توجه به اینکه وجوب دفاع، اصالت نفسی ندارد بلکه مشروط به ضرورت حفظ نفس، ناموس و یا مال است و به اصطلاح اصولی، حفظ نفس، ناموس و یا مال، واجب اصلی نفسی است و دفاع در مقابل مهاجم، واجب اصلی غیری است. پس نمی‌توان موضع بحث را مشمول قاعده

۱. ماده ۶: «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین،

افترا، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.»

۲. روایات باب دفاع از جمله روایت حلبی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا

دَخَلَ عَلَيْكَ اللَّصُّ الْمُحَارِبُ فَاقْتُلْهُ، فَمَا أَصَابَكَ فِدْمَةٌ فِي عُنُقِي» (کلینی، ۹/۱۴۳۰: ۴۷۱-۴۷۶).

تراحم دانست. زیرا در فرض امکان فرار، وجوب حفظ نفس مدافع و ترک حرمت قتل مهاجم با یکدیگر تراحم پیدا نمی‌کنند تا دلایل روائی و عقلی دفاع به عنوان مرجح باعث اولویت حفظ نفس از طریق دفاع گردد. بلکه از طریق فرار، به مقتضای قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» می‌توان میان عمل به هر دو حکم، جمع نمود. به علاوه میان فرار و دفاع کشنده نمی‌توان قائل به تخییر شد زیرا اولاً، با وجود امکان فرار، شرط ضرورت برای جواز دفاع کشنده محقق نمی‌شود. ثانیاً، وجه ترجیح فرار بر دفاع کشنده آن است که موجب جمع میان وجوب حفظ نفس و ترک حرمت قتل مهاجم می‌شود.

### ۱-۳-۱. اقوال فقهای امامیه در رد نظریه اباحه جرم مدافع با وجود امکان فرار

دقت در اقوال فقهای امامیه نشان می‌دهد که اقوال ایشان در رد نظریه اباحه جرم مدافع، به دو دسته قابل تقسیم است.

#### ۱-۳-۱-۱. عدم جواز قتال در مقام دفاع

عده‌ای از فقها، به جهت امثال ترک حرمت قتل مهاجم با وجود امکان فرار، دفاع از طریق قتال را جایز ندانسته‌اند. «اگر امکان رهایی از قتال، با فرار و نظیر آن میسر باشد احوط همان است» (خمینی، ۱/۱۳۹۰: ۴۸۸). همچنین «اگر امکان فرار یا فراری دادن ناموس وجود داشته باشد، نوبت به مقاتله نمی‌رسد» (سبزواری، ۲۸/۱۳۸۸: ۱۶۳). فقیه دیگری معتقد است که «اگر برای مدافع مراحل سبک‌تر دفاع و یا فرار، میسر باشد و با این حال، از مراتب شدید دفاع استفاده کند علی‌الحوط ضامن است» (منتظری، ۱۳۷۱: ۳۶۵). افزون بر این، امکان فرار و فراری دادن ناموس، مانع از مقاتله با مهاجم دانسته شده است (مدرسی، ۴/۱۴۲۷: ۴۰۷). به‌لحاظ لغوی، قتال را جنگ دانسته‌اند که در آن ممکن است یکی از دو طرف یا هر دو به قتل برسند. منظور از دفاع با قتال، «دفاع کشنده» است. علت عدم جواز دفاع از طریق قتال را می‌توان در احتمال عقلایی ارتکاب قتل مهاجم از طریق قتال دانست.

#### ۱-۳-۱-۲. عدم جواز اقدام به دفاع

یکی از متقدمین، معتقد است که: «اگر کسی قصد قتل دیگری را داشته باشد و وی قادر به فرار کردن باشد، فرار بر او واجب است» (طوسی، ۷/۱۳۸۷: ۲۷۹). صاحب تحریر الاحکام به جای دفع مهاجم، دفع خطر از نفس، ناموس یا مال را واجب می‌داند. فلذا تصریح می‌نماید: «اگر فرد مورد تهاجم، توانایی فرار دارد فرار واجب است و الا دفاع کند» (علامه حلی، بی‌تا/۱: ۱۵۷). وی در کتاب منتهی المطلب، دلیل این حکم را بیان می‌نماید: «... زیرا فرد مورد تهاجم، مأمور به دفع خطر از خود است و با فرار کردن، با سبک‌ترین روش به این هدف می‌رسد. و شافعی قولی دارد که دفاع را حقی مباح دانسته و انصراف از این حق را برای فرار کردن لازم ندانسته، که پاسخ آن، این است که

در انصراف از دفاع، نفس (دیگری) حفظ می‌شود پس واجب است.» (علامه حلی، ۱۵/۱۴۱۲: ۲۲۸). صاحب زبده الاحکام بیان می‌دارد: «اگر امکان نجات یافتن از خطر مهاجم، با فرار میسر باشد، احوط آن است که فرار کند» (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

نظرات این دسته از فقها، در ظاهر با نظرات دسته اول، متفاوت است. البته با توجه به تعلیل مذکور درباره حفظ نفس مهاجم می‌توان گفت که نظر این دسته از فقها، از باب اغلیت مبتنی بر تهاجم‌هایی است که در آن‌ها، نوعاً دفاع به قتال کشیده می‌شود و چون مقدمه حرام، دارای حرمت تبعی است. از ابتدا باید از هر گونه درگیری پرهیز کرد. اما با تشکیک در این اغلیت و با توجه به نظرات فقهای دسته اول، و نیز وجوب نهی از منکر غیرکشنده بدون اذن حاکم، این تعبیر، نافی آن نیست که اگر شرایط ابتدایی یک دفاع، نوعاً به قتال منتهی نمی‌شده و دفاع از طریق فریاد کشیدن یا کنار زدن با دست صورت گرفته، و اتفاقاً به قتال کشیده شده باشد، مدافع بتواند به اباحه جرم از باب دفاع مشروع استناد نماید. هر چند وی در ابتدای مواجهه با مهاجم، امکان فرار داشته باشد. از این منظر، دفاع غیرکشنده ممنوع نیست. بلکه امکان فرار، مانع از دفاع کشنده است. فلذا به لحاظ مراتب، امکان فرار را می‌توان بعد از مرحله دفاع غیرکشنده با دست دانست.

#### ۴-۱. نقدی بر استناد به مطالعه تطبیقی جهت تأیید نظریه اباحه جرم مدافع

درباره موضوع بحث، در میان ایالت‌های مختلف آمریکا، دو دیدگاه متفاوت پذیرفته شده است. دیدگاه نخست، مبتنی بر تئوری «تکلیف عقب‌نشینی»<sup>۱</sup> بوده و مشروعیت به‌کارگیری دفاع کشنده را منوط به عدم امکان فرار می‌داند. دیدگاه دوم، بر پایه نظریه «در ملک خود ایستادگی کن»<sup>۲</sup>، رعایت شرط مذکور درباره فرار را لازم نمی‌داند. برخی از نویسندگان در تأیید نظریه اباحه جرم مدافع با وجود امکان فرار، به نظام حقوقی تعدادی از ایالت‌های آمریکا که مبتنی بر دیدگاه دوم استناد نموده و با اشاره به مجوز حمل سلاح در این ایالت‌ها معتقدند که «مجوز حمل سلاح دو نتیجه را در پی دارد اول اینکه به شخص اجازه می‌دهد از قدرت کشنده در دفاع از خود استفاده نماید و ثانیاً الزام به فرار، در مقام دفاع را منتفی می‌سازد» (رحیمی پور، ۱۳۹۸: ۱۲۱) حال می‌توان بررسی نمود که چنین استنادی تا چه حد می‌تواند درست باشد.

#### ۴-۱-۱. نظام‌های حقوقی دارای «تکلیف عقب‌نشینی»

در ایالات متحده از نظر تاریخی و بر مبنای کامن‌لا، افراد برای اثبات ضرورت دفاع همواره باید ثابت می‌کردند که قبل از توسل به دفاع، اقدامات ممکنه برای «تکلیف به عقب‌نشینی» را رعایت

1. Duty to retreat
2. Stand Your Ground



کرده‌اند. فقط در مورد دفاع از منزل به طور استثنائی و بر مبنای «تئوری قلعه» بدون رعایت تکلیف فوق، امکان توسل به دفاع کشنده وجود داشته است (Ackermann, 2015: 197). در حال حاضر سیزده ایالت (همگی از ایالت‌های شمالی و شمال شرقی) تکلیف عقب‌نشینی را مبنای حقوقی خود قرار داده‌اند. در میان آن‌ها، یازده ایالت «تئوری قلعه» را در کنار تکلیف عقب‌نشینی پذیرفته‌اند. اما «واشینگتن دی سی» و «ورمونت» حتی تئوری قلعه را نپذیرفته‌اند. منظور از تئوری قلعه یعنی جواز به کارگیری دفاع کشنده بدون تکلیف به عقب‌نشینی برای مدافعی که در حال دفاع از منزل به مثابه قلعه خویش است (Wallace, 2014: 2).

به موجب مجموعه قانون کیفری ایالت نیویورک، «اگر فرد مورد تهاجم، بداند که با ایمنی کامل نسبت به خود و دیگران می‌تواند از طریق عقب‌نشینی، ضرورت به کارگیری دفاع کشنده را مرتفع سازد، مجاز به دفاع کشنده نخواهد بود. مگر آنکه در منزل خود بوده و شروع کننده درگیری هم نباشد (a) (2) 35.15 NYS penal code). در ایالت نیوجرسی، یکی از مواردی که به کارگیری دفاع کشنده، مجاز نیست. موردی است که «فرد مورد تهاجم بداند که وی از طریق عقب‌نشینی، یا تحویل دادن چیزی به فردی که نسبت به آن ادعای حقی دارد یا با برآورده ساختن درخواستی که البته در صورت عدم ارتباط با وظایفش، اجباری به انجام آن ندارد؛ می‌تواند با ایمنی کامل، ضرورت به کارگیری دفاع کشنده را مرتفع سازد. در صورتی که فرد مورد تهاجم در داخل منزل خود بوده و شروع کننده درگیری نباشد، وظیفه‌ای درباره عقب‌نشینی نخواهد داشت» (New Jersey Revised Statutes Title, (b) (2) 3-4 2C section 2c: 2013).

قانون جزای نمونه (MPC) درباره تکلیف عقب‌نشینی تصریح می‌دارد: «اگر مرتکب بداند که وی می‌توانسته از طریق عقب‌نشینی، به صورت کاملاً ایمنی، ضرورت استفاده از دفاع کشنده را مرتفع نماید آنگاه استفاده از دفاع کشنده، مشروع نخواهد بود.» (Model Penal Code & 3.04 (2) (b) (ii)) همان طور که ملاحظه می‌شود علاوه بر نظام‌های حقوقی مهمی همچون نیویورک، نیوجرسی و واشینگتن دی سی، قانون جزای نمونه آمریکا نیز به مبنای ضرورت دفاع و سنت تکلیف به عقب‌نشینی پایبند مانده‌اند.

#### ۲-۴-۱. ایرادات وارد بر نظام‌های فاقد «تکلیف عقب‌نشینی»

«ریچارد مکسول برون»<sup>۱</sup> اصلی‌ترین تئوری پرداز مخالف تکلیف عقب‌نشینی در فصل سوم کتاب خود «هیچ وظیفه عقب‌نشینی وجود ندارد»<sup>۲</sup> ایستادگی مسلحانه ساکنان اراضی واقع در

1. Richard Maxwell Brown

2. No Duty to Retreat

هانفورد کالیفرنیا در ۱۱ می ۱۸۸۰ میلادی در مقابل قصد تملک اراضی توسط نمایندگان شرکت راه آهن را به عنوان یک مدل عینی در فرهنگ آمریکایی برای مخالفت با عقب نشینی و تجویز دفاع کشنده در برابر مهاجمان یاد می کند و آن را مبنایی برای گسترش تئوری «در ملک خود ایستادگی کن» می داند. این در حالی است که دفاع از ملک منافاتی با تکلیف به عقب نشینی مدافع در مقابل تهاجم های خارج از ملک وی ندارد (Macklin, 1993, 181). حقیقت این است که مخالفان تکلیف عقب نشینی، مبانی و جلوه های تئوری قلعه که منحصر به دفاع در ملک مدافع بوده است را به سایر دفاع ها نیز تسری داده اند.<sup>۱</sup>

موج تصویب قوانین ایالتی «در ملک خود ایستادگی کن» که از سال ۲۰۰۵ با اصلاح یک قانون در ایالت فلوریدا، سرعت بیشتری به خود گرفت. به شدت تحت تأثیر لابی اسلحه و تلاش های «اتحادیه ملی اسلحه» در آمریکا بوده است. به طوری که اگر این مداخله ها نمی بود، شهروندان آمریکایی در می یافتند که تجویز دفاع کشنده در موارد غیر ضروری مثل امکان فرار، ممکن است منافع خودشان را به عنوان یک مهاجم احتمالی به خطر اندازد. به تعبیر «جان رالز» اگر شهروندان آمریکایی در «وضع نخستین»<sup>۲</sup> و در «پشت پرده جهل»<sup>۳</sup> نسبت به امتیازات احتمالی خود قرار می گرفتند آن گاه قاعده ای را برمی گزیدند که برای جان یک شهروند صرف نظر از مدافع و یا مهاجم بودن، ارزش قائل شود. (Lave, 2013: 846).

قوانین «در ملک خود ایستادگی کن» برخلاف شعار عدالت برای بزه دیدگان و کاهش جرم، نه تنها موجب کاهش جرم نشده اند بلکه به شکل نژادپرستانه ای به افزایش میزان قتل ها و بزه دیدگی دامن زده اند. برای مثال، در ایالت فلوریدا پس از اصلاح قوانین مربوطه در سال ۲۰۰۵، میزان کل قتل ها به طور ماهیانه ۲۴/۴ درصد و قتل ها با استفاده از سلاح گرم ۳۱/۶ درصد رشد داشته است. (Gasparrini, 2016 : 3) این افزایش جرائم، با تبعیض نژادی و طبقاتی همراه بوده است. مطالعه علمی ۲۰۰ پرونده مربوط به قانون «در ملک خود ایستادگی کن» نشان می دهد که در حالی که ۵۹ درصد از قاتلان سفیدپوستان، به مجازات محکوم نشده اند، قاتلان سیاهپوستان در ۷۳ درصد از موارد، محکومیت نیافته اند (Lave, 2013: 851).

۱. اگرچه با توجه به گسترش نادرست تئوری قلعه، امروزه ترجمه فارسی «از محل استقرار دفاع کن» برای عبارت «Stand your ground» می تواند درست باشد. اما معنای اصیل آن به لحاظ تاریخی، «در ملک خود ایستادگی کن» است.

2. Original position

3. Veil of ignorance

به لحاظ مطالعات تطبیقی نه تنها، اقلیت مهمی از ایالت‌های آمریکا، عقب‌نشینی را وظیفه قانونی می‌دانند بلکه در برخی از آن‌ها مانند ایالت نیوجرسی، مفهوم عقب‌نشینی فقط به فرار محدود نشده است. بلکه حتی تحویل دادن مال به مهاجم و یا انجام دادن کاری به درخواست وی جهت کاهش خشونت و البته با حفظ حق اقامه دعوی علیه مهاجم را شامل می‌شود. همچنین، برخی از ایالت‌ها مثل ورمونت تکلیف به عقب‌نشینی را حتی در دفاع از منزل ضروری می‌دانند. افزون بر این‌ها، نظام‌های حقوقی دیگری مانند هلند وجود دارند که در آن‌ها، دفاع مشروع منوط به عدم امکان فرار ایمن و متعارف است (Tak, 2003: 44).

بدین ترتیب، در صورت امکان فرار با توجه به عدم ضرورت دفاع، تأکید بر حاکمیت قوای عمومی در مداخله قهرآمیز برای حمایت از ارزش‌ها، رعایت قانونمندی و پرهیز از خشونت، امتناع از تبعیض طبقاتی از طریق مهدورالدم دانستن سارقان نیازمند، نمی‌توان دفاع کشنده مدافع را مباح دانست. بر همین مبنا، آنچه در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی برای مدافع، جایز دانسته شده است، ارتکاب رفتاری برای دفع «تجاوز یا خطر» است و نه دفع مهاجم. بند الف ماده مذکور به ضرورت داشتن دفع «تجاوز یا خطر» تصریح کرده است. پس با امکان فرار، می‌توان ضرورت دفع تجاوز یا خطر، را از طریق فرار، مرتفع ساخت. هر چند مهاجم دفع نشده باشد. در نتیجه با فرار کردن، ضرورتی برای دفاع کشنده باقی نمی‌ماند.

افزون بر همه ادله فوق‌الذکر، باید گفت وضعیت دفاع در برابر تهاجم، وضعیتی است که در آن، به علت ضرورت فوری دفاع، بدون طی فرایند کشف حقیقت قضایی، به یک شهروند، حسب مورد اجازه اعمال خشونت و حتی قتل مهاجم داده می‌شود. اگرچه مبنای دفاع مشروع، ضرورت دفع خطر برای مدافع است. اما حقیقت این است که تهاجم مهاجم همواره سرزنش‌آمیز نبوده<sup>۱</sup> و مستوجب سلب حق حیات، به‌عنوان اصلی‌ترین حق بازگشت‌ناپذیر وی نیست. مواردی همچون تهاجم قانونی مأمور رسمی، تهاجم توأم با عوامل رافع مسئولیت کیفری مثل مستی، تظاهر به تهاجم، تهاجم محال با وسیله ناممکن و تهاجم برای رفع حالت اضطراری، حالاتی اند که احتمال وجود آن‌ها و جهل مدافع نسبت به آن‌ها عقلاً و عادتاً ممکن بوده و از این‌رو نمی‌توان برای مدافعی که امکان فرار دارد و ضرورتی برای دفاع کشنده ندارد حق تهاجم به حق حیات مهاجم از طریق دفاع کشنده را قائل شد.<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر (نک: نظری نژاد، ۱۳۹۲: ۲۶۳-۲۲۳)

۲. تبصره ۳ ماده ۱۵۶ در حکمی استثنائی فقط دفاع در برابر مهاجم دیوانه را مستوجب پرداخت دیه از بیت‌المال دانسته است. اگر چه استبعاد در تسری این حکم به سایر تهاجم‌های غیرقابل سرزنش وجود ندارد. اما به لحاظ موازین

## ۲. ضمان جزائی و مجازات توسل به دفاع کشنده، با وجود امکان فرار

در قسمت قبلی، ادله عدم جواز دفاع کشنده، با وجود امکان فرار بررسی شد و به تعبیر فقهی، حکم تکلیفی مسئله مورد بررسی قرار گرفت. در این باره روشن شد که امکان فرار، در مرتبه بعد از دفاع غیرکشنده است. و با وجود آن، دفاع کشنده جایز نیست. در این بخش به تبیین حکم وضعی ضمان جزائی، و مجازات تعزیری مرتکب دفاع کشنده با وجود امکان فرار پرداخته می‌شود. حکم این مسئله در قانون مجازات اسلامی ذکر نشده است. از این رو، با تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی، به فتاوی معتبر فقهای امامیه، مراجعه می‌شود. با توجه به نظرات فقهای امامیه درباره عدم جواز قتال مدافع، با وجود امکان فرار، معلوم می‌شود که مراتب اولیه دفاع اعم از فریاد کشیدن، تهدید کردن و کنار زدن با دست، مشمول منع مذکور نمی‌شود. اما در صورت توسل به دفاع کشنده، مثل ایراد صدمات شدید بدنی، چاقوکشی و یا تیراندازی، یک رفتار ممنوع شرعی و قانونی انجام شده که به لحاظ نتیجه، ممکن است دو حالت داشته باشد.

حالت اول اینکه در نتیجه چنین اقدامی هیچ صدمه مالی یا نفسی به مهاجم وارد نشده باشد. در این صورت، حسب مورد یک شروع به جرم یا جرم عقیم که در حکم شروع به جرم است، اتفاق افتاده است. حالت دوم اینکه، در نتیجه این رفتار، صدمه ای مالی یا نفسی به مهاجم وارد شده باشد. در این صورت، جرم عمدی علیه مال را می‌توان در قالب تخریب کیفری قابل تعزیر دانست. اما درباره حکم ناظر بر جنایت عمدی (به شرط وجود ارکان جنایت عمدی)، اختلاف نظر وجود دارد. محل این اختلاف نظر در دو مورد است. نخست در جایی که مدافع با وجود امکان فرار، ابتدائاً آغاز به دفاع کشنده کند. دوم جایی که مدافع آغاز به دفاع کشنده نکند، ولی پس از مراحل اولیه دفاع (مثل فریاد و تهدید)، با وجود امکان فرار، مرتکب دفاع کشنده شده باشد.

### ۲-۱. دیدگاه ثبوت قصاص

این دیدگاه که مبنایی برای صدور حکم به قصاص نفس از سوی برخی از شعب دیوان عالی کشور بوده است مبتنی بر تفکیک ضرورت دفاع از مراحل دفاع و بالتبع تفاوت قائل شدن میان حکم عدم رعایت ضرورت و عدم رعایت مراحل دفاع است. از این دیدگاه، اگر امکان فرار وجود داشته باشد، اصل دفاع، ضرورت نداشته و رفتار دفاعی از اساس نامشروع و عدوانی بوده و مستوجب قصاص است. اما در موردی که دفاع، ضرورت داشته ولی در رعایت مراحل دفاع، تجاوزی شده باشد طبق تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مستوجب دیه و تعزیر است. شعبه ۲۴ دیوان

فقهی، در صورت امکان فرار، قطعاً دفاع در برابر دیوانه و سایر تهاجم‌های غیرقابل سرزنش جایز نیست.

عالی کشور، در رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۰۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴، درباره دفاع کشنده با استفاده از چاقو، عدم امکان فرار، را شرط اباحه رفتار مدافع، دانسته است و عدم رعایت این شرط را مبنایی برای تأیید حکم قصاص نفس تلقی نموده است.<sup>۱</sup> همچنین قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور، در دو رأی صادره درباره یک پرونده، به شماره‌های ۴۴۸ مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۵ و ۹۸۰ مورخ ۱۳۷۱/۹/۱۴، امکان فرار مدافع را مانع از پذیرش دفاع مشروع دانسته و قتل عمدی را ثابت تشخیص داده است (بازگیر، ۱۳۷۶: ۵۹۴-۵۹۷).

منظور از شرط ضرورت دفاع آن است که مدافع در صورتی حق دفاع را دارد که راه دیگری برای رهایی وجود نداشته باشد. فقهای امامیه، شرط ضرورت دفاع را تحت یک عنوان مستقل بیان نکرده‌اند. بلکه این شرط را می‌توان از احکام فقهی نظیر جایز نبودن دفاع در صورت وجود مانع و دیوار و یا پس از فرار کردن مهاجم استنباط نمود. صریح‌ترین شرط در کلام فقها، رعایت مراحل «الاسهل فالاسهل» در دفاع است (نجفی، ۴۱/۱۳۶۲: ۶۵۱). شرط رعایت مراحل دفاع، به معنای رعایت «الاسهل فالاسهل» یعنی اکتفا به سبک‌ترین روش برای دفع خطر، و در صورت عدم دفع، استفاده از روش شدیدتر. دفع خطر به ترتیب با فریاد کشیدن، با دست، با عصا یا چوب، با سلاح و در نهایت قتل (محقق حلی، ۴/۱۴۰۸: ۱۷۶).

در علم حقوق معمولاً به جای شرط مراحل دفاع، از شرط تناسب در کنار شرط ضرورت استفاده می‌شود. درباره ملاک شرط تناسب، حداقل پنج نظریه بیان شده است. اما، معمولاً به معنای تناسب زیان‌های دفاع با تعدی (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۳) است.<sup>۲</sup> در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به رعایت شرط ضرورت و رعایت مراحل تصریح شده اما شرط تناسب حذف شده است. علت این کار، شاید عدم سابقه شرط تناسب در کتب فقهی امامیه بوده است.

در دیدگاه ثبوت قصاص، رابطه میان شرط ضرورت و مراحل دفاع این‌گونه است که شرط ضرورت، در مرحله جواز اصل دفاع و عدم جواز آن مطرح است. اما مراحل دفاع زمانی مطرح می‌شود که ضرورت اصل دفاع احراز شده و فقط بحث راجع به انتخاب رفتار دفاعی سبک‌تر مطرح

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به سایت بانک داده آرا پژوهشگاه قوه قضائیه به نشانی: <http://judgements.ijri.ir>

۲. تذکر این نکته لازم است که شرط رعایت مراحل دفاع در فقه و قانون را نمی‌توان به جای شرط تناسب در حقوق و در هماهنگی کامل با آن دانست. اگر چه یکی از نظریه‌های شرط تناسب، همان رعایت مراتب سبک‌تر است اما این دو، مترادف نیستند و رایج‌ترین معنای شرط تناسب یعنی تناسب زیان‌های دفاع با تعدی، ارتباطی با رعایت مراحل دفاع ندارد.

باشد. با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی دفاع و فرار، فرار از رفتارهای دفاعی سبک‌تر محسوب نمی‌شود. بدین ترتیب پس از اثبات عدم ضرورت دفاع با وجود امکان فرار، دفاع مدافع، دفاع مشروع نبوده و هیچ تفاوتی با رفتار مهاجم ندارد. فلذا مستوجب قصاص است.

## ۲-۲. دیدگاه شمول اماره قانونی عدم قصاص

در مقابل دیدگاه ثبوت قصاص، دیدگاهی وجود دارد که معتقد است در صورت عدم فرار، مدافع مشمول اماره قانونی عدم قصاص است. و باید به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شود. منظور از اماره مذکور، فرض قانونی عدم قصاص در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی است. به موجب این تبصره، تجاوز از مراتب دفاع موجب ثبوت دیه و تعزیر است. برای یافتن مبنای این تبصره باید گفت مقنن در بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، اعتقاد اشتباهی به مهدورالدم بودن مجنی علیه را موجب سقوط قصاص تلقی نموده و بر همین مبنا اماره قانونی عدم قصاص را در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مذکور، برای مدافع پیش‌بینی نموده است. البته این فرض قانونی قابلیت اثبات خلاف را دارد. یعنی اگر اثبات شود که مدافع با علم و توجه کامل به شرایط واقعی قضیه، در همان ابتدا عمداً اقدام به قتل مهاجم نموده است، مبنایی برای معافیت او از قصاص وجود نخواهد داشت. در اینجا ابتدا ادله شمول اماره قانونی عدم قصاص بر ترک فرار بررسی می‌شود، سپس به مطالعه تطبیقی و پس از آن، تعزیر مرتکب پرداخته می‌شود.

### ۲-۲-۱. ادله شمول اماره قانونی عدم قصاص

شمول اماره قانونی عدم قصاص بر دفاع کشنده با وجود امکان فرار را می‌توان در قالب دلایلی همچون عدم قصد عدوان از سوی مدافع، تفسیر تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، و رویه قضایی دیوان عالی کشور اثبات نمود.

#### ۲-۲-۱-۱. ضمان ناشی از عدم قصد عدوان از سوی مدافع

برای ثبوت قصاص، وقوع جنایت باید با عمد و عدوان همراه باشد. منظور از عدوان در اینجا، عدم جواز جنایت بر مهدورالدم نسبی است (شهید ثانی، ۱۳/۱۴۱۳: ۶۶). مهدورالدم نسبی، کسی است که قتل او برای همه جایز نیست. مثل قاتل و متجاوز که با رعایت شرایط، به ترتیب نسبت به اولیای دم و مدافع، خونشان هدر است. برای ارتکاب قتل عدوانی، قصد عدوان نیز لازم است. عدم قصد عدوان تأثیر بسزایی در سقوط قصاص و ثبوت دیه دارد. در مورد مدافعی که امکان فرار داشته است، می‌توان به جهات زیر، قصد عدوان را منتفی دانست.

الف) عدم قصد عدوان ممکن است به علت جهل مدافع نسبت به وظیفه فرار باشد. «اگر مدافع در ذهن خودش احراز کرد که دیگری قصد جان، عرض یا مال او را دارد و او را دفع کند و موجب

ضرر یا جنایتی شود، مدافع ضامن است اما گناهکار نیست» (خمینی، ۱۳۹۰: ۴۸۹). گناهکار ندانستن مدافع در این فرض مانع از ثبوت قصاص است. بنابراین، در اینجا منظور از ضامن، دیه است. حکم به عدم قصاص در مسئله مذکور، به علت جهل مرکب مدافع و عدم قصد عدوان از ناحیه او است. در مسئله مذکور، هیچ گونه تهاجم واقعی وجود ندارد. اما در فرض امکان فرار، مدافع با تهاجم واقعی روبه‌رو است. پس بنا به قیاس اولویت، اشتباه مدافع درباره وظیفه فرار، موجب ثبوت دیه است. بدین ترتیب اگر مدافع در اثر اشتباه نسبت به حکم<sup>۱</sup> و یا موضوع امکان فرار در وضعیت دفاعی، احراز کرد که در مقام دفاع باید جنایتی بر مهاجم مرتکب شود به علت عدم قصد عدوان و مطابق با قاعده درء نمی‌توان قصاص را ثابت دانست.

ب) در بعضی موارد، منتفی بودن قصد عدوان در اثر عدم توجه کافی مدافع به امکان فرار است. یکی از فقیهان معاصر درباره چنین مدافعی معتقد است که: «اگر یقین داشته باشد که بدون قتل می‌تواند مهاجم را دور کند و یا خود فرار کند در عین حال او را کشته است و در نتیجه قتل با قصد و انگیزه کشتن عدوانی انجام گرفته و قتل عمد است و قصاص دارد. اگر در اثر اضطراب خاطر نتوانسته تصمیم بگیرد یعنی هر چند راه دفاع بدون قتل مهاجم و یا فرار خودش موجود بوده اما توجه نکرده و یا توجه بسیار ناچیز و همراه با سرعت و عجله و دلهره بوده که در حقیقت قصد قتل عدوانی محقق نشده ... قصاص ندارد ...» (صانعی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

در این فتوا، به عوامل روانی همچون اضطراب خاطر، عجله و دلهره برای ارزیابی عدم توجه کافی مدافع به موضوع فرار، در قالب معیار شخصی اشاره شده است. عدم توجه کافی، با عدم علم و آگاهی متفاوت است. توجه کافی داشتن یعنی التفات و تمرکز و آرامش کافی برای تصمیم‌گیری درست. صرف آگاهی قبلی نسبت به موضوع لزوماً به معنای وجود توجه کافی در لحظه واقعه نیست (آقایی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۲۲). بنابراین، علاوه بر موارد احراز اشتباهی دفاع کشنده ناشی از جهل مرکب مدافع درباره وظیفه فرار، می‌توان عدم قصد عدوان را در موارد عدم توجه کافی به لزوم فرار در اثر اضطراب و دلهره نیز ثابت دانست.

**۲-۲-۱-۲-۲. تفسیر قلمرو تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی درباره فرض امکان فرار**  
شاید گفته شود که تبصره مذکور مخصوص تجاوز از مراحل دفاع است و نه ضرورت دفاع و امکان فرار. در پاسخ باید گفت از لحاظ فقهی، شرط ضرورت و شرط مراحل دفاع در واقع به یک

۱. مبنای بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، شامل اشتباه حکمی و موضوعی می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۷۱).

معنا و یک حقیقت اشاره می‌کنند و آن این است که فرد مورد تهاجم باید از روش سبک‌تر برای تخلص از خطر مهاجم استفاده کند (آصفی، ۱۴۳۰: ۳۹). با دقت در این دو شرط، می‌توان گفت که میان این دو، اشتراک معنایی وجود دارد. یعنی رعایت مرحله «سبک‌تر» به معنای رعایت «ضرورت» دفاعی است که برای دفع خطر لازم است (علامه حلی، ۱۴۱۲/۱۵: ۲۲۸).

در واقع، زمانی که امکان دفع خطر با روش سبک‌تر وجود دارد، ضرورتی به استفاده از مراحل شدیدتر و دفاع کشنده وجود ندارد. به همین علت یکی از فقیهان معاصر، تجاوز از مراحل دفاع و امکان فرار را صراحتاً در کنار هم قرار داده و در یک فتوا، هر دو را مشمول حکم ضمان دانسته است (منتظری، ۱۳۷۱: ۳۶۵). افزون بر مبنای مذکور، با توجه به دلایل زیر، تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مذکور شامل عدم رعایت شرط فرار می‌شود.

الف) در تبصره مذکور، عبارت محرز بودن نفس دفاع، یعنی وضعیتی که در آن، تهاجم بالفعل یا قریب‌الوقوعی به صورت غیرقانونی ایجاد شده باشد. احراز نفس دفاع، مربوط به شرایط تهاجم است (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۴۰). در صورتی می‌توان، نفس دفاع را محرز ندانست که تهاجمی با شرایط مذکور انجام نشده باشد. پس احراز نفس دفاع، غیر از احراز شرایط اقدام دفاعی است. فلذا ارتباطی با شرایط ناظر بر عمل مدافع، اعم از ضرورت دفاع و رعایت مراحل آن ندارد. به‌علاوه، با توجه به مترادف بودن عبارت نفس دفاع و اصل دفاع، منظور از «نفس» دفاع، غیر از شرایط رفتار مدافع است. چون در تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون مذکور «اصل دفاع» را از شرایط آن جدا کرده است. بنابراین حکم دیه و تعزیر در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون اخیرالذکر، شامل تجاوز از شرط ضرورت دفاع در فرض امکان فرار می‌شود. زیرا در امکان فرار، نفس دفاع محرز است.

ب) عبارت مراتب دفاع، در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ مذکور، به معنای مراتب دفع خطر است. و نه مراتب دفع مهاجم. زیرا دفاع، واجب اصلی نفسی نیست بلکه دفاع، وسیله‌ای برای حفظ نفس، ناموس یا مال است. در بند الف ماده ۱۵۶ قانون مذکور نیز به ضرورت دفع تجاوز یا خطر، تصریح نموده و نه دفع متجاوز. یکی از مراتب دفع تجاوز و خطر، مرتبه فرار کردن است. که بر اساس نظرات فقهای امامیه در مطالب قبلی، در مرتبه بعد از دفاع غیرکشنده قرار گرفت. بدین وسیله، با امکان فرار ضرورتی برای دفاع کشنده باقی نمی‌ماند.

از منظری دیگر می‌توان گفت رعایت مراتب دفاع در چهارچوب رعایت قاعده‌الاسهل فالاسهل شامل رعایت ضرورت دفاع نیز می‌شود (خدابخشی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). در واقع، مراتب دفاع در تبصره ۲ ماده ۳۰۲، مترادف مراحل دفاع در ماده ۱۵۶ است و با توجه به اینکه مراحل دفاع، شامل شرط ضرورت دفاع می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۵۷). پس، تجاوز از مراتب دفاع، در تبصره ۲



ماده ۳۰۲، شامل تجاوز از ضرورت دفاع، در فرض امکان فرار می‌شود.

### ۳-۱-۲-۲. رویه قضایی دیوان عالی کشور و دفاع‌های شبه مشروع

بر اساس منطق صوری ارسطویی، حکم یک موضوع را باید طبق یک تقسیم‌بندی ثنائی (دودویی) تعیین نمود. مثلاً در برابر یک تهاجم، یا شرایط دفاع وجود دارد و یا ندارد. بر این اساس، یا دفاع مشروع است و یا نیست. اما طبق منطق فازی، بین دفاع مشروع و دفاع نامشروع می‌توان طیفی از دفاع‌های شبه مشروع را در نظر گرفت. از دیدگاه منطق فازی نمی‌توان با قطعیت درباره‌ی خوب و بد، و سیاه و سفید صحبت کرد. باید درک کرد که در دنیای واقعی، به دلیل فازی یا مبهم یا تشکیکی بودن واقعیت‌ها، پدیده‌های واقع دارای مراتب و درجات‌اند و منحصر به حالت بود و نبود نیستند (ابوذری، ۱۳۹۸: ۴). با پذیرش منطق فازی، در موضوع دفاع، می‌توان دیدگاه دیوان عالی کشور را درباره‌ی امکان فرار، به شکل کامل‌تری درک کرد. هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور درباره‌ی رأی اصراری شماره ۹۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۳۰ صادره از شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران که از سوی شعبه ۲۸ دیوان به آن هیئت ارجاع شده بود، نظریه دادستان کل کشور را پذیرفت. طبق این نظریه، «چون امکان فرار و ترک محل و استمداد وجود داشته است دفاع مشروع، منتفی و وقوع قتل نفس، قطعی است. اما چون احتمال دفاع مشروع و شبهه داده می‌شود و البته در این که به فرض دفاع، دفاع خارج از حد متعارف و مأذون بوده قتل از موارد شبه عمدی خواهد بود.» (لطفی و عزیزانی، ۱۳۹۳: ۸۴). رویه قضایی دیوان عالی کشور، در مقوله عدم رعایت شرایط دفاع، معیار میانه‌ای را ایجاد کرده که طبق آن، مرتکب نه آن اندازه گناهکار است که قصاص شود و نه آن چنان بی‌گناه است که تبرئه شود. بلکه باید به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شود (آقایی‌نیا، ۱۳۹۵: ۲۵۴).

### ۲-۲-۲. سازوکارهای تخفیفی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایالات متحده نشان می‌دهد که در این نظام، مدافعی که در برابر تجاوز بالفعل از شرایط دفاع مشروع تجاوز کرده باشد، و بدین وسیله مرتکب قتل مهاجم شده باشد، به قتل عمدی محکوم نمی‌شود. در واقع، «دکترین دفاع مشروع ناقص»، بر پایه «حق ناقص دفاع از خود» شامل موردی می‌شود که در آن، مدافع صادقانه (با معیار شخصی) ولی به‌طور نامتعارفی (با معیار نوعی)، بر این باور باشد که تنها راه جلوگیری از خطر مهاجم، ارتکاب قتل است. در این صورت، اگر مدافع مرتکب قتل شده باشد، به جای قتل عمدی، او را مشمول عنوان قتل عمدی در حکم غیرعمدی می‌دانند (لفیو، ۱۳۹۰: ۲۵۰). بدین ترتیب، در ایالت‌هایی که رعایت «تکلیف عقب‌نشینی» را لازم می‌دانند، در صورت عدم رعایت این تکلیف و ارتکاب قتل از سوی مدافع، امکان استناد به این دکترین وجود دارد.

همان طور که مشاهده می‌شود، دکترین دفاع مشروع ناقص، مبتنی بر باور و اعتقاد نامتعارف مدافع است. این حکم مشابه موضع فقه امامیه و حقوق ایران درباره اعتقاد به مهدورالدم بودن مهاجم و عدم قصد عدوان از سوی مدافع در اثر جهل مرکب است. با استفاده از مطالعه تطبیقی می‌توان گفت به محض احراز تهاجم غیرقانونی بالفعل یا قریب‌الوقوع، یک حق ناقص دفاع به وجود می‌آید که اگر شرایط رفتار دفاعی، رعایت شود آنگاه حق دفاع به نحو کامل ظهور می‌یابد و به علت دفاع مشروع هیچ ضمان و مجازاتی متوجه مدافع نخواهد بود. در صورت عدم رعایت شرایط عمل دفاعی، اگر مدافع، باور و اعتقاد شخصی به لزوم دفاع کشنده داشته باشد، مستوجب مجازات قتل عمدی نیست.

افزون بر دکترین دفاع مشروع ناقص در نظام حقوقی آمریکا، می‌توان به «قتل عمدی در حکم غیرعمدی ناشی از خشم ناگهانی» درباره عدم رعایت شرط فرار، اشاره کرد. بر این مبنا، اگر قاتل، در اثر اختلال هیجانی شدید و ناگهانی، اعم از خشم یا وحشت ناگهانی، مرتکب قتل شود، محکوم به قتل عمدی نخواهد شد مشروط بر آنکه اولاً تحریک متعارفی نظیر ایراد ضرب و جرح و یا تهاجم علیه وی صورت گرفته باشد. ثانیاً عملاً تحریک شده باشد. ثالثاً انسان متعارفی که به این نحو تحریک می‌شود، در فاصله میان تحریک و وارد کردن ضربه کشنده، به آرامش باز نگردد. و رابعاً متهم نباید در آن فاصله زمانی، آرام شده باشد (لفیو، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

بر این اساس، در فرض امکان فرار، اگر دفاع کشنده مدافع، ناشی از خشم یا وحشت ناگهانی و متعارف وی (با معیار نوعی)، در اثر تحریک (تهاجم) مهاجم باشد به نحوی که هر انسان متعارف دیگری (با معیار نوعی) در چنین شرایطی و تا زمان قتل، به آرامش و کنترل روانی خود باز نگردد. قتل ارتكابی را نمی‌توان مستوجب مجازات قتل عمدی دانست. در چنین شرایطی متهم باید اثبات کند که خشم او تا به آنجا کشیده شده که توان طبیعی او را برای بررسی و تحلیل افکار مربوط به قتل سلب نموده است. این حکم مشابه فتوای صانعی است که در مطالب قبلی بیان شد. زیرا ایشان نیز به عوامل روانی همچون اضطراب خاطر، عجله و دلهره برای انتفای مجازات قتل عمدی به علت عدم توجه کافی مدافع، اشاره نموده است. منتها، معیار حاکم بر شرایط تحقق قتل عمدی در حکم غیرعمدی ناشی از خشم ناگهانی، معیار نوعی و مبتنی بر رفتار انسان متعارف است. بنابراین احراز شرایط مربوط به آن، نسبت به معیار شخصی مورد نظر فتوای فقهی مذکور، سخت‌گیرانه‌تر است.

افزون بر این، در نظام حقوقی هلند، در حالی که دفاع مشروع جزو علل موجهه جرم است و تحقق آن، منوط به عدم امکان فرار ایمن و متعارف است؛ به موجب بند ۲ از ماده ۴۱ قانون جزای هلند، هر کس از محدوده‌های دفاع ضروری تجاوز کند، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. مشروط بر این که تجاوز از شرایط مربوطه ناشی از هیجان شدیدی باشد که در اثر تهاجم ایجاد شده است (Tak, 2003).

45). بنابراین عدم رعایت امکان فرار، مدافع را از مزایای دفاع مشروع به عنوان عامل موجهه جرم، محروم ساخته و وی را مشمول عوامل رافع مسئولیت کیفری می نماید. شباهت موضع این نظام حقوقی با حکم تبصره ۲ ماده ۳۰۲ مذکور، در نفی مجازات اصلی قتل عمدی و ثبوت مسئولیت مدنی (ودیه) است. اما تبصره ۲ اخیرالذکر، اماره ای قانونی بر عدم مجازات اصلی (قصاص) را بدون تصریح به مبنای آن، وضع نموده و مرتکب را از مجازات تعزیری حبس معاف نموده است.

### ۳-۲-۲. تعزیر مدافع، به علت جنایت عمدی یا غیرعمدی؟

در باره تعزیر مدافع، ممکن است دو قول مطرح شود. از یک سو ممکن است گفته شود که جنایت ارتكابی مدافع، غیرعمدی بوده و مستوجب تعزیر برای جنایت غیرعمدی است و از سوی دیگر با توجه به عمدی بودن جنایت ارتكابی، می توان وی را مستحق تعزیر برای جنایت عمدی دانست. اگر اشتباه مدافع به عنوان مبنای اماره قانونی عدم قصاص تلقی شود، آنگاه شاید گفته شود که اشتباه از عوامل رافع مسئولیت کیفری است و فقط می توان مسئولیت مدافع به علت تقصیر وی و تخلف از رفتار انسان متعارف را موجبی برای تعزیر به علت جنایت غیرعمدی وفق ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) دانست. در این رابطه، می توان به عبارت انتهایی تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی و تفاوت آن با انتهای ماده ۳۰۳ قانون مذکور توجه نمود. در انتهای ماده ۳۰۳ به مجازات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده شده است. و طبق ماده ۴۴۷ قانون مذکور، در کلیه مواردی که به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع داده شده است باید حسب مورد وفق ماده ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون تعزیرات درباره جرائم عمدی اقدام نمود. ولی تبصره ۲ ماده ۳۰۲ مذکور، به کتاب پنجم تعزیرات ارجاع نداده است. اما حقیقت این است که اشتباه مدافع درباره رعایت شرایط دفاع، فقط قصد عدوان را منتفی می کند و تأثیری در عمد وی ندارد. شبه عمد دانستن جنایت ارتكابی به علت فقدان قصد عدوان در بند ب ماده ۲۹۱ قانون مذکور، فقط برای سقوط قصاص درباره وی است و تأثیری در تعزیر وی به علت ارتكاب جرم عمدی ندارد (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۳۸۰). تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مذکور نیز از همین مبنا تبعیت می کند. فقط تبصره مذکور، در صورت احراز اصل دفاع، به علت شرایط تهاجمی و فشار روانی روی مدافع، یک اماره قانونی وضع نموده که به موجب آن نیازی به اثبات عدم قصد عدوان از سوی مدافع نیست.

### نتیجه

اقسام و یا مراحل دفاع را می توان اعم از دفاع کشنده و غیرکشنده دانست. دفاع کشنده، به واسطه ایراد صدمات شدید بدنی و یا استفاده از سلاح سرد یا گرم، دفاعی است که به موجب آن، جان مهاجم در معرض خطر قرار می گیرد. در فرض امکان فرار، تا زمانی که دفاع غیرکشنده مطرح باشد. دلیلی

برای کنار گذاشتن ادله تجویز دفاع در راستای حفظ حقوق مدافع و نهی از منکر وجود ندارد. اما در مرحله دفاع کشنده، به علت وجوب حفظ جان مهاجم، باید دفع خطر و تجاوز را از طریق فرار، برآورده ساخت. بدین سان، امکان فرار، مانع از جواز دفاع کشنده است.

بنابراین، در فرض امکان فرار، اگر مدافع، در مقابل تهاجم ابتدائاً اقدام به دفاع کشنده نماید، به علت عدم رعایت شرایط دفاع و طبق تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به دیه و تعزیر برای جنایات عمدی محکوم می‌شود. اگر مدافع ابتدائاً اقدام به دفاع کشنده نکند و از مراتب سبک‌تر استفاده کند ولی به دفاع کشنده منتهی شده باشد، دو حالت دارد. نخست اینکه با معیار شخصی و نوعی، شرایط حاکم بر تهاجم و دفاع، به دفاع کشنده منتهی نمی‌شده بلکه به طور اتفاقی به دفاع کشنده کشیده شده باشد و مدافع در زمان دفاع کشنده امکان فرار نداشته باشد. در این صورت، مدافع را نمی‌توان ضامن دانست و مجازاتی برای وی در نظر گرفت هر چند در ابتدای مواجهه، امکان فرار داشته باشد.

حالت دوم اینکه، با هر دو معیار شخصی و نوعی و یا با یکی از این دو معیار، می‌دانسته و توجه کافی داشته که رویارویی وی با مهاجم به دفاع کشنده منتهی می‌شود. در این صورت اگر با هر دو معیار و یا با معیار شخصی، می‌دانسته و توجه کافی داشته که آن شرایط، به دفاع کشنده منتهی می‌شود، با توجه به قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» و همچنین با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، باید وی را مانند مدافعی که ابتدائاً اقدام به دفاع کشنده نموده مشمول تبصره ۲ ماده ۳۰۲ مذکور دانست. اما اگر مدافع، شخصاً نمی‌دانسته یا توجه کافی به این امر نداشته است ولی با معیار نوعی باید این امر را می‌دانسته، آنگاه می‌توان وی را با استناد به تقصیر مندرج در بند پ ماده ۲۹۱ قانون مذکور به پرداخت دیه و مجازات تعزیری برای جنایت غیرعمدی محکوم نمود.

بدین ترتیب، موضع نظام حقوقی ایران در قبال به‌کارگیری دفاع کشنده با وجود امکان فرار را باید بر اساس مبانی فقه امامیه و در چهارچوب «احتیاط در دماء» تحلیل نمود. در این راستا، احتیاطی دوسویه نسبت به جان مدافع و جان مهاجم، وجود دارد. که به موجب آن، اگر امکان فرار وجود داشته باشد، نمی‌توان به مدافع اجازه تهاجم بر جان مهاجم را داد و در صورتی که مدافع چنین کاری کرد، با توجه به اماره عدم قصد عدوان از سوی وی و در نظر گرفتن سهم مهاجم در قرار دادن جان خود در معرض خطر، نمی‌توان حکم به قصاص مدافع داد.

## منابع

## فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، قم: دانشگاه قم.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۵)، جرائم علیه اشخاص (جنایات)، چاپ پانزدهم، تهران: نشر میزان.
- ابوذری، مهرنوش (۱۳۹۸)، «نگرش فازی در حوزه سن مسئولیت کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۳، شماره ۱۰۸.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سی ام، تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۵)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی جرم و مجرم، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۶)، قانون مجازات اسلامی در آیینه آرا دیوان عالی کشور؛ قتل عمد، تهران: انتشارات ققنوس.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۶)، «جنبه‌های مدنی و کیفری دفاع مشروع»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۳.
- رحیمی پور، ایمان (۱۳۹۸)، «تأثیر امکان فرار در مشروعیت دفاع؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا»، مجموعه مقالات افق‌های نوین حقوق کیفری (نکوداشت نامه استاد حسین آقایی نیا)، تهران: میزان.
- سعدی، حسین علی و حسین خدایار (۱۳۹۰)، «تحلیل فقهی مبانی مشروعیت دفاع»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۳.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و سعید عبدالله‌یار (۱۳۸۹)، «دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن»، مطالعات حقوقی، دوره ۲، شماره ۲.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، زارع، محمداکظم (۱۳۹۶)، «بازشناسی مفهوم دفاع مشروع در قانون جدید مجازات اسلامی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۸)، استفتانات قضایی، جلد اول، چاپ سوم، قم: انتشارات پرتو خورشید.
- عراقی، جلال و یدالله خیام پور (۱۳۹۴)، «نگاهی مقایسه‌ای به مراتب امر به معروف و نهی از منکر»، فقه، دوره ۱۹ شماره ۷۴.
- لطفی، اسدالله و مجید عزیزبانی (۱۳۹۳)، «قتل عمد و بررسی آن با دفاع مشروع با مذاقه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، جستارهای فقه و حقوق، سال ۱، شماره ۲.
- لفیو، واین آر (۱۳۹۰)، سببیت و قتل، ترجمه دکتر حسین آقایی نیا، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرائم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
- نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲)، «مبانی و موجبات دفاع مشروع در برابر حمله به حیات و تهدید آن»، فقه و حقوق اسلامی، سال سوم شماره ششم.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹)، اصل قضایی بودن مجازات‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- وطنی، امیر (۱۳۸۱)، «بررسی فقهی اضطرار و ضرورت»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر هفتاد و یکم.

### عربی

- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد اول، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- آصفی، محمد مهدی (۱۴۳۰ ق)، «الدفاع الشرعی الشخصی تجاه العدوان على النفوس و الاعراض و الاموال»، فقه اهل البيت (ع)، دورة ۱۴، شماره ۵۶.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۰ ق)، تحریر الوسیله، جلد اول، چاپ دوم، نجف اشرف: مطبعة الآداب.
- زبیدی، مرتضی (۲۰۰۵ م)، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد ۱۱، بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷)، زیده الاحکام، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۳۸۸ ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، جلد بیست و هشتم، قم: دارالتفسیر.
- شهیدثانی، زین الدین ابن علی (۱۴۱۳ ق)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- طباطبائی، علی (۱۴۲۲ ق)، ریاض المسائل، جلد سیزدهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی، محمد ابن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد هفتم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیا آثار الجعفریه.
- علامه حلی، حسن ابن یوسف (بی تا)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد اول، مشهد: مؤسسه آل البيت.
- علامه حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۱۲ ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، جلد پانزدهم، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- فاضل هندی، محمد (۱۳۷۹)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد دهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۳۰ ق)، الکافی، جلد نهم، قم: دارالحدیث للطباعه و النشر.
- گلپایگانی، محمد رضا (بی تا)، الحدود و التعزیرات، جلد دوم، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ ق)، الوجیز فی الفقه: احکام الجهاد و القتال، تهران: دار محبی الحسین (ع).
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۲۷ ق)، الفقه الاسلامی، جلد چهارم، بیروت: دار القاری.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۱)، الاحکام الشرعیه علی مذهب اهل البيت، تهران: نشر تفکر.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهل و یکم، بیروت: دار احیا التراث العربی.

### انگلیسی

- Ackermann N, Goodman MS, Gilbert K, Arroyo-Johnson C, Pagano M. (2015), "Race, law, and health: Examination of Stand Your Ground and defendant convictions in Florida". *Soc Sci Med*. 2015;142.
- Gasparrini, A; Wiebe, DJ; (2016) "Evaluating the Impact of Florida's Stand Your Ground Self-defense Law on Homicide and Suicide by Firearm: An Interrupted Time Series Study". *JAMA internal medicine*, 177, (1).
- Lave, Tamara, (2013) "Shoot to kill; A critical look at stand your ground laws ", *University of Miami law review*, Vol 67, (2).

- Macklin, Audrey (1993) "The duty to retreat in US law", Article in **Criminal Law Forum**, at: <https://www.researchgate.net/publication/248774448>
- **New Jersey Revised Statutes**, at: <https://www.gcls.org/new-jersey-revised-statutes>
- **New York State Penal Code** at: <http://ypdcrime.info/penal.law/>
- Tak, Peter (2003), **The Dutch Criminal Justice System**, at: <https://www.researchgate.net/publication/254881404>
- Wallace, lacey N, (2014), "Castle doctrine legislation; unintended effects for gun ownership", **Justice Policy Journal**, vol 11, number 2.

